

درآمدی بر حق دادرسی عادلانه در پرتو حقوق کیفری ایران و حقوق بین الملل

حسین کاظمی فروشانی^۱، نرگس اکبری^۲

^۱دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه قم

^۲دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، مدرس دانشگاه

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

حسین کاظمی فروشانی kazemibehzad75@ymail.com

چکیده

حق دسترسی به دادگاه و برخورداری از یک دادرسی منصفانه از جمله حقوق اولیه بشر بوده که در استناد بین المللی حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی- سیاسی به آن اشاره گردیده است. نظام های حقوق داخلی نیز به نوبه خود مجموعه اصول و مقرراتی را برای برقراری دادرسی عادلانه برقرار داشته اند. این اصول مراحل سه گانه دادرسی شامل مرحله تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و پس از رسیدگی را در بر می گیرد. این اصول در حقوق ایران و استناد بین المللی تا حد زیادی مشابه است، قانون اساسی و قانون آیین دادرسی مدنی ایران به لزوم عادلانه بودن دادرسی توجه داشته و مقررات مفصلی را در این زمینه مقرر داشته اند، علاوه بر این اکثر این استناد مورد تصویب قانونگذار ایرانی نیز قرار گرفته و به صورت جزئی از حقوق موضوعه ایران در آمده است. در عین حال به نظر می رسد در بحث ضمانت اجرا با چالش هایی در حقوق داخلی ایران مواجه هستیم و در فقدان یک ضمانت اجرای قابل اعمال بین المللی، مسئله اجرای این اصول در حقوق ایران با چالش جدی رو به رو می باشد.

وازگان کلیدی: حق دادرسی عادلانه، محاکم قضایی، حقوق ایران، استناد بین المللی، حقوق بین الملل

- مقدمه -

دادرسی عادلانه، یکی از مسایل بنیادی برای حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر به شمار می رود؛ زیرا عدالت، حق است و نباید برخلاف آن عمل کرد. هرگاه چنین شود، بی عدالتی، بی دادگری و نادیده گرفتن حقوق شهروندی است. عدالت، با مفهوم احترام به حقوق، رابطه تنگاتنگی دارد. در حقیقت، عدالت، رفتار مطابق قانون است؛ پس بی عدالتی، رفتار مخالف قانون و نقض حقوق بشر است. در واقع، دادرسی عادلانه، محاکمه شخص در پرتو قانون و با درنظرداشت احترام به حقوق شهروندی و زمینه ای برای ترویج حاکمیت قانون است. این حقوق، توسط هنجارهای ملی و بین المللی، در قالب بعضی از اصول، نظام مند شده اند. اصول یاد شده، شامل اصول ناظر بر حقوق و آزادی های متهم، از آغاز مرحله دادرسی تا صدور حکم قطعی دادگاه در پیوند با برائت و یا محکومیت شخص و حتی مرحله بعد از محاکمه شخص است. به همین ترتیب، اصول ناظر بر حقوق جزای انسانی و تحقیق و تعقیب عدلی را نیز در بر می گیرد (فضائلی، ۱۳۸۷: ۱۹).

در این میان تنظیم آیین دادرسی کیفری و انتخاب ضمانت اجرای های کیفری را می توان صورتهای مختلفی از واکنش دستگاه عدالت کیفری به واکنش در برابر رفتار مجرمانه بزه کاران تلقی کرد. قواعد آیین دادرسی کیفری جای بسیار با اهمیت و هنوز ناشناخته ای را در

تدوین سیاست جنایی سنجیده تقینی را به خود اختصاص می دهد. قواعدی که ممکن است برای تامین و حفظ و حمایت بهتر از حقوق و آزادی های افراد جامعه به کار گرفته شود و یا خود به ابزار شکلی در راستای تامین هدف سرکوبی حقوق جزا تبدیل شود و از این طریق سهمی خاص را در امر مبارزه با رفتار مجرمانه بر عهده گیرد. از این رو سازماندهی و تنظیم مقررات آن نیازمند دقیق و گزینش و انتخاب های اساسی است. تنظیم قواعد دادرسی کیفری دارای چنان جایگاه مهمی است که بسیاری از کشورهای اروپایی در دهه های اخیر بارها اصلاحات تقینی گسترده ای را با استفاده از تجارب سایر کشورها انجام داده اند و نمود آن را می توان در آیین های دادرسی کیفری این کشورها به وضوح مشاهده کرد. سمت و سوی کلی ناظر بر این اصلاحات را می توان حمایت شایسته و سنجیده از حقوق و آزادیهای شهروندان در تمامی مراحل دادرسی اعلام کرد. در این میان قانون اصلاحی مهمن ۱۵ زوئن ۲۰۰۰ میلادی فرانسه را در این راستا به عنوان نمونه می توان اشاره کرد. قانون اصلاحی که زمینه دگرگونی نزدیک به ۳۰۰ ماده قانون آیین دادرسی کیفری را فراهم کرده و به جهت تامین و تضمین هر چه بهتر برخی از اصول حقوقی مانند اصل برائت تحولاتی را در راستای گسترده تضمینات در مراحل گوناکون دادرسی ایجاد کرده است. تقریباً در تمام اسنادی که تاکنون درباره حقوق بشر به تصویب مراجع بین المللی رسیده است مضمون واحدی به چشم می خورد، این استناد به طور خلاصه بر این نکته متفق اند که بشر از حقوق و آزادیهایی برخوردار است که باید الزاماً و به گونه ای موثر از آن حمایت شود و دولتها موظف اند در صورت نقض این حقوق تدبیر مطمئن برای احقيق حقوق افراد فراهم آورند، استقرار نظم عمومی در یک جامعه پیشرفتنه محتاج به قوانینی است که محتوای آن با معیارهای صحیح سنجیده شده و شایستگی و توان پاسداری از نظم جامعه را داشته باشد (مجیدی، ۱۴۸۴: ۱۴۴-۱۴۵).

بنابراین مقررات آیین دادرسی کیفری که ناگزیر از تغییر و تحول دائمی و انطباق آن با جامعه ای پیشرفتنه و متمدن است، باید متناسبن قواعدی باشد که اجرای عدالت را در سطح تمدن جهانی عصر حاضر تأمین نماید. قوانین آیین دادرسی کیفری وقتی از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است که بین دو حق، حق جامعه که از جرم متضرر شده از یک سو و حق انسانی که فعلاً به عنوان متهم شناخته شده است از سوی دیگر تعادل ایجاد نماید. باید اشاره کرد قانون آئین دادرسی کیفری جدید با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آئین کیفری و نحوی تعقیب متهم، نوعاً گرایش براعمال "اصل تفسیر مُضيق به نفع متهم"، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آنها در فرآیند رسیدگی کیفری در ۵۷۰ ماده و ۴۹۵ تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیت ها و موانع مقرر در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم بعنوان موکل خود و ضرورت تفہیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری قرار داده است. قانون جدید با وجود برخی از اشکالات و ایرادات مترقب برآن، برخوردار از جنبه ها و نکات مثبت بسیاری در خصوص رعایت تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه است و اگر دچار تغییرات کلی و جدی نشود و با تدوین آئین نامه های اجرایی مقرر در آن، با استفاده از تجارت کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم، موثر و نقش آفرین گردد (امیدی - سید حسینی، ۱۳۹۵: ۲۳).

۲- دادرسی عادلانه و منصفانه

منظور از دادرسی عادلانه برقراری تعادل و توازن بین اقتدار و اختیار دولت از یک طرف و موقعیت و شرایط متهم از سوی دیگر در دادرسی های کیفری است. مقصود از دادرسی عادلانه محاکمه بر مبنای عدالت است. دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی پیشگیری شده است. دولت ها به شیوه های مختلف از جمله قانون گذاری و پیش بینی مکانیزم اجرایی مؤثر، به تضمین حق دادرسی عادلانه برای افراد متعهد هستند. دادرسی عادلانه شامل مصاديق متعددی است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. برخی از مصاديق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه های بی طرف و مستقل و... عمومیت دارند و در انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال می باشند و برخی دیگر از جمله اصل برائت، تفہیم اتهام و... ناظر بر دعاوی کیفری می باشند. باید گفت هر عملی که مانع از پیاده کردن عدالت، در مراحل مختلف قضایی اعم از تعقیب تا اجرای حکم گردد جرایم علیه عدالت قضایی خواهد بود. بنابراین جرائمی که پس از ارتکاب جرمی، یا پیش از تضییع حقی، مانع از اجرای عدالت در مورد طرفین دعوا یا مرتکبین جرم شود، جرایم علیه عدالت قضایی است. مانند: فراری دادن محکوم، شهادت دروغ و...

حق برخورداری از دادرسی عادلانه به عنوان یک هنجار بین المللی حقوق بشر برای حمایت از حقوق آزادی افراد شناخته می شود (امیدی سیدحسینی، ۱۳۹۵: ۲۳). دادرسی عادلانه مجموعه ای از حقوق و تامینات مربوط به اجرای عدالت و حقی از حقوق مسلم شهروندان جامعه است. رعایت دادرسی عادلانه به هیچ وجه به معنای ارافق به کسی نیست بلکه رعایت این اصول در رسیدگی ها موجب می شود در برخورد با اصحاب دعوا انسانیت افراد فراموش نشده و عدالت و انصاف در حق آنان رعایت شود. رعایت این حق نشانگر آن است که جامعه به آن حد از عقلانیت رسیده است که می خواهد از اشتباہ، سوء استفاده و غرض ورزی خودداری کند. در هر پرونده کیفری همواره یک طرف دعوا دولتی با امکانات فراوان است و طرف دیگر متهم است که از موقعیت کاملاً متفاوت و بایینی برخوردار است. از لحاظ نظری در مرحله قانونگذاری وضع قواعد و مقرراتی که به طور دقیق حدود اختیارات و وظایف مجریان عدالت کیفری و همچنین حقوق و امتیازات متهم در مقابل آنها را معلوم و مشخص کند بخشی از فرآیند دادرسی عادلانه است و اجرای درست این قواعد و مقررات در مقام تعقیب مرتکبین و مرتکبین جرایم بخش مهم تر آن تلقی می شود. بدین ترتیب ایجاد تعادل و توازن در دادرسی های کیفری در سایه دو ضابطه مند ساختن فرآیند رسیدگی ممکن می شود (سالاری - تاج الدینی، ۱۳۹۵: ۵۰).

مطابق ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر "هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوا ایش بوسیله دادگاه مستقل و بی طرفی، منصفانه و علني رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی به او، تصمیم گیری می کند". همچنین به موجب بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی "... هرکس حق دارد به اینکه دادخواهی او منصفانه و ... رسیدگی شود". حق برخوردار شدن از دادرسی منصفانه در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تضمین شده است^۱. قصد منعقد کنندگان این استناد مهم حقوق بشری در استفاده از عبارت مشترک "منصفانه بودن دادرسی" است که قطعاً در بردارنده مفهوم انصاف در نفس خود است (Evans, 2016: 178). بررسی آماری پرونده های ارجاع شده به دادگاه اروپایی حقوق بشر، حکایت از طرح بیش از ۲۰ پرونده با موضوع تجاوز از مقررات مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی و نقض حقوق خواهان در بهره مندی از دادرسی منصفانه در چهل روز اول سال ۲۰۱۵ میلادی دارد^۲

برای اینکه دادرسی عادلانه تلقی شود لازم است اصول متناسب رعایت حقوق دفاعی شاکی از سوی دیگر رعایت شود، رعایت حقوق دفاعی متهم رکن اصلی دادرسی عادلانه می باشد. اولین رکن این حق نیز قبول فرض برائت هم در مرحله تقنینی و هم در مرحله اثباتی (قضایی) می باشد. ایده دادرسی عادلانه ابتدا در جوامعی مطرح شد که سیستم اتهامی^۳ مورد قبول و عمل قرار گرفته است. یکی از اجزای نظام دادرسی عادلانه قبول فرض برائت یا بی گناهی به جای فرض مجرمیت است و چنانکه برخی گفته اند فرض برائت برای متهم به عنوان یک حق تلقی نمی شود بلکه باید آن را نوعی امتیاز دانست. در سایه اصل برائت نه تنها مدعی باید دلیل بزه کاری را ارائه کند و به عبارت دیگر نه تنها شخص را بی گناه تلقی می کند بلکه تکلیف اثبات گناهکاری را نیز بر عهده مدعی قرار می دهد (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۱۱۱).

باید در نظر داشت که حقوق و آزادیهای حداقل که در معاہدات بین المللی مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی راجع به حقوق مدنی و سیاسی و معاہدات منطقه ای راجع به حقوق و آزادی های بشر پیش بینی شده است باید در هر دعوا کیفری بدون استثنای نسبت به طبقات مختلف مجرمین مثل صغار بزهکار و متهمان نظامی و غیره و همچنین در کلیه جرائم تروریستی، مواد مخدر و جنایات سازمان یافته تضمین و اعمال گردد. در حقوق ایران نیز مقررات مختلفی در مورد اصل برائت و دادرسی عادلانه که بر مبنای این

^۱. "برای تعیین حقوق و تکالیف یک فرد یا رسیدگی به اتهامی که علیه او مطرح شده است، باید دادرسی علني و منصفانه توسط دادگاه صالح بیطری و مستقل در مدت معقول انجام شود. نتیجه دادرسی باید بصورت علني اعلام شود، اما امکان برگزاری غیرعلني تمام یا قسمتی از جریان محکمه نسبت به مردم و مطبوعات وجود دارد. حفظ نظم عمومی، اخلاق یا امنیت در جامعه دموکراتیک، منافع صغار، حفظ جان طرفین دادرسی و همچنین نظر دادگاه در اوضاع واحوالی که علني بودن محکمه ممکن است به مصالح عدالت لطمه وارد آورد، مواردی است که غیرعلني بودن محکمه را توجیه می کند."

^۲. برای مطالعه در خصوص آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر در مقوله "دادرسی منصفانه" ، ن. ک به :

حقوق بشر به نشانی: ([http://hudoc.echr.coe.int/site/eng/pages/search\(keyword:right to fair trial\)](http://hudoc.echr.coe.int/site/eng/pages/search(keyword:right to fair trial)))

^۳. Adversarial system

اصل بنا شده است وجود دارد. از جمله اصل ۳۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت اصل برائت را بیان نکرده است اما آثار این اصل در موارد مختلفی بیان گردیده است. ماده ۱۶۷ آیین دادرسی مدنی این اصل را مورد تصریح قرار داده است. در این ماده آمده است: «اصل برائت است بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد».

۳- اصول حاکم بر دادرسی عادلانه

۳-۱. حقوق متهم قبل از دادرسی

۳-۱-۱. تفهیم اتهام

تفهیم اتهام یکی از حقوق متهم است که ضامن عادلانه بودن فرآیند دادرسی است. دادرسی عادلانه وقتی میسر می‌شود که متهم بتواند به درستی و با تمام امکانات از خود دفاع کند و این ممکن نیست مگر آنکه موضوع اتهام یا موضوع های اتهام را به درستی بداند. بنابراین شروع اقدامات قضایی یا انتظامی علیه متهم بدون اطلاع وی از اتهام وارده و جاهت قانونی ندارد. در واقع تفهیم اتهام این امکان را برای متهم فراهم می‌کند که از هنگام شروع اقدامات قضایی از وضعیت خود مطلع شود و دفاع لازم را انجام دهد. از نظر تاریخی در ماده ۱ از عنوان ۱۶ فرمان کیفری ۱۶۷۰ فرانسه به لزوم تحقیقات ظرف حداکثر ۲۴ ساعت از زمان دستگیری تاکید شده است (Howard, 2007: 248).

تفهیم اتهام به دلیل اهمیت وافری که دارد مورد توجه اعلامیه های حقوق بشر و قوانین اساسی و حتی عادی اکثر کشورها قرار گرفته است. بند ۲ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجمع عمومی سازمان ملل متحده، مقرر کرده: ((هر کس دستگیری می شود باید در موقع دستگیرشدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اخباریه ای دائر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می شود دریافت دارد.)) همچنین براساس بند ۳ ماده مذکور: ((هر کس به اتهام جرمی دستگیری یا بازداشت (زنданی) می شود باید اورا به اسرع وقت در محضر دادرسی یاهر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. قوانین ایران نیز به فرد زندانی حق می دهد تا اتهامات خود و دلایل دستگیری در اسرع وقت اطلاع یابد. این قصد قانونگذار در وضع قوانین مربوط به ارائه برگ جلب هنگام دستگیری، به حضور رسانیدن سریع متهم نزد مقام قضایی و تفهیم اتهام در اسرع وقت استنباط می شود.

۳-۱-۲. ممنوعیت حبس و بازداشت خودسرانه

به طور کلی بازداشت متهم باید تحت ضوابط و اصول قانونی انجام گیرد. یکی از این اصول آن است که قرار انتقال و بازداشت متهم باید حاوی ادله موجهه باشد و محدوده زمانی بازداشت وی به طور مشخص مطابق با اصول قانونی باشد. در صورتی که بازداشت برای فراتر از دوره ای که در قانون پیش بینی شده باشد لازم باشد باید تمدید آن در قانون پیش بینی شده باشد، در غیر این صورت بازداشت و حبس متهم قادر و جاهت قانونی خواهد بود. به طور کلی می توان گفت دستگیر و بازداشت افراد باید خلاف قاعده و استثناء تلقی شود (قربانی - بیگی، ۱۳۹۳: ۱۴).

شناخت موارد استثناء به تعیین معیار و شرایط قانونی نیاز دارد. این معیارها را می توان به دو نوع شکلی و ماهوی تقسیم بندی کرد. باید دلایل معقول حاکی از ارتکاب جرم توسط شخص دستگیر شونده و دیگری ضرورت دستگیری بنا بر یکی از جهات باد شده در قانون وجود داشته باشد. وجود اصل حاکمیت قانون، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت و دیگر موارد اصول ماهوی است که باید حتماً رعایت شود. اما منظور مواعده مقرر برای دستگیری، ادله موجود برای دستگیری از اصول شکلی است که رعایت آن الزام آور می باشد. مقامات و مامورین دادگستری و مقامات نظامی و انتظامی نمی توانند به صورت خودسرانه و غیر قانونی شخصی را بازداشت نمایند. در واقع بازداشت شخص باید تحت شرایط قانونی و با وجود ادله مشخص باشد. این خود یکی از آثار اصل برائت است. به این دلیل که فرد بی گناه فرض می

شود نمی توان مگر در صورت اثبات خلاف آن یعنی اثبات مجرمیت او را دستگیر و بازداشت و زندانی کرد. این مسئله باید حتماً توسط ادله مشخص و محرز در قانون اثبات شود (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۶۶).

در خصوص اصل عدم بازداشت خودسرانه نیز همچون سایر حقوق مربوط به دادرسی عادلانه، اسناد حقوق بشری متعددی وجود دارد که مؤید حق آزادی خوانده (متهم) از بازداشت غیرقانونی است. ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر در یک قاعده کلی، همه افراد را علی الاطلاق دارای حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی می‌داند. ماده ۹ اعلامیه مذبور نیز در حکمی کلی بر منوعیت بازداشت خودسرانه تصريح کرده است. همچنان ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۱ با جزئیات بیشتری بر منوعیت بازداشت خودسرانه تأکید کرده، اشعار می‌دارد: "هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زنданی) کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و آیین میثاق همچنان در بند ۲ ماده ۹ بر استثنای بودن قرار بازداشت". دادرسی مقرر به حکم قانون موقت تأکید داشته، اعلام می‌کند که نباید بازداشت اشخاص در انتظار دادرسی را قاعده کلی دانست. بند ۳ ماده ۹ این سند مهم حقوق بشری نیز به نوعی مؤید حق اعتراض زندانی به دادگاه به منظور رسیدگی به وضعیت قانونی بودن یا غیرقانونی بودن بازداشت خود است (راعی دهقی - موسوی، ۱۳۹۵: ۲۰۰). بند ۲ اصل ۳۶ قطعنامه ۴۳/۱۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحده، با محور قراردادن عدالت در زمان صدور قرار بازداشت موقت، اشعار می‌دارد: "جلب یا بازداشت اشخاصی که انجام تحقیقات و محاکمه آنان مستلزم این امر است، باید تنها با هدف اجرای عدالت و بر مبنای عدالت صورت بگیرد". بند مذبور با تأکید بر ضرورت قاعده مندسازی قرارهای بازداشت صادره از محاکم و تبیین این نکته اساسی که شرایط و رسیدگی در جهت بازداشت متهم را نیز قانون باید مشخص کند اعلام می‌کند که "تحمیل محدودیت بر افرادی که نیاز قطعی به جلب یا بازداشت آنان در راستای صیانت از نظم و امنیت عمومی نیست، منعو است" (اصل ۳۷).

سند دیگر مشهور به "قواعد توکیو" مصوب ۱۹۹۰ مجمع عمومی، با تسری اصل عدالت محوری به همه مراحل دادرسی به صراحت اعلام می‌دارد که "محدودیت‌ها و منوعیت‌های مذکور در قواعد این سند در مورد همه افراد تحت تعقیب، تحت محاکمه یا محکومان و در کلیه مراحل اجرای عدالت کیفری باید مورد توجه قرار گیرد". همچنان ماده ۱۷ توصیه شماره ۱۳ سند معروف به "رهنمودهای ریاض"^۴، در حکمی مشابه با قاعده فوق، اشعار می‌دارد "بازداشت قبل از محاکمه باید به عنوان آخرین چاره و برای کوتاهترین دوره زمانی ممکن صورت گیرد". طبق بنديک از ماده ۱۰ میثاق بین المللی: ((درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده اند باید بالسانیت واحترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار گردد)). و براساس بنديک ماده ۱۷ میثاق مذکور: ((... هم چنین شرافت وحیثیت اونباید مورد تعریض غیرقانونی واقع شود)). در ایران نیز اصل سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در این باره مقرراتی کند: ((هتك حرمت وحیثیت کسیکه به حکم قانون دستگیر بازداشت، زندانی یا تبعید شده به صورت ممنوع و موجب مجازات است)) (سالاری - تاج الدینی، ۱۳۹۵: ۵۲).

در حقوق کیفری ایران، بند ۱ ماده ۱۲ "مجموعه اصول به منظور حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان" بیان می‌کند: موارد زیر به هنگام دستگیری بایستی به طور کامل بوسیله ضابطان ثبت شود: دلایل دستگیری، زمان دستگیری، زمان انتقال فرد دستگیر شده به محل حبس، زمان اولین حضور نزد مقام قضایی یا مقام صلاحیت‌دار دیگر، هویت کلیه ضابطین دادگستری مرتبط، اطلاعات دقیق در مورد محل حبس، این اطلاعات باید به صورت شفاهی در اختیار فرد بازداشت شده یا وکیل وی قرار گیرد. بند ۲ ماده ۱۰ "اعلامیه ی مربوط به حمایت تمام اشخاص در مقابل ناپدید شدن‌های اجباری" و اصل ۲۳ "اصول اساسی استفاده از اسلحه و زور توسط ضابطان قانون"^۵ در این زمینه احکامی مشابه حکم فوق را مقرر کرده اند (مقیمی - نیازخانی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

^۴. رهنمودهای سازمان ملل متحده برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان.

^۵. Basic principles on the use of force and firearms by law enforcement officials (eight United Nations congresses on the prevention of crime and the treatment of offenders, welcomed by General assembly Resolution 45/121 of 18 December 1999).

همچنین در قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم تعزیرات فصل دهم، ضمانت اجرای تقصیرات مقامات و مامورین دولتی، امتناع از انجام وظایف قانونی و هتك حرمت اشخاص و سلب حقوق مقرر در قانونی اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین و تصریح شده است. ممنوعیت سلب آزادی افراد ملت و سلب حقوق مقرر در قانون اساسی (ماده ۵۷۰)، استماع شکایت و تظلم خواهی نزد مراجع ذی صلاح (ماده ۵۷۲)، ممنوعیت شکجه و اذیت و آزار بدنی متهمین (ماده ۵۷۸)، صدور حکم به موجب قانون و ضمانت اجرای امتناع قضائی از صدور حکم یا تاخیر وی از صدور حکم بر خلاف قانون (ماده ۵۹۷) قانونی بودن جرائم، مجازات ها و دادرسی کیفری (مواد ۱۲ و ۱۳)، عطف به ما سبق نشدن قوانین (ماده ۱۰) نیز موارد دیگر قابل ذکر در قانون مجازات اسلامی در حوزه دادرسی عادلانه است. آیین نامه قانون و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و ترتیبی کشور مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحی سال ۱۳۸۴ قوه قضاییه نیز شکجه و رفتارهای غیر انسانی را ممنوع نموده و برای مرتكبین مجازات تعیین کرده است (امیدی - سیدحسینی، ۱۳۹۵: ۳۳).

۳-۱-۳. محدود بودن موارد بازداشت موقت

قرار بازداشت موقت، شدیدترین نوع از انواع قرارهای تأمین است که به علت شدید بودن نوع اتهام یا ولگرد بودن متهم و یا احتمال فرار وی و یا بیم تبانی با شهود یا تهدید مطلعین و یا بیم إمحاء آثار جرم توسط متهم، صادر می‌شود. بازداشت موقت متهم که از آن در حقوق کیفری ایران به توقيف احتیاطی نیز تعبیر شده است عبارت است از سلب آزادی از متهم و زندانی کردن او در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی. استثنای بودن قرار بازداشت موقت (بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی)، اصل عدالت محوری در صدور قرار بازداشت موقت، اصل قانون محوری در زمان صدور قرار بازداشت موقت، اصل ضروری بودن یا محدود بودن موارد صدور قرار بازداشت موقت (بند ۴ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی)، حق اعتراض به صدور قرار بازداشت، اصل قابل «مطلوبه نمودن غرامت ناشی از صدور قرار بازداشت غیرقانونی» (بند ۴ ماده ۵ کتوانسیون اروپائی حقوق بشر) از جمله اصول حاکم بر بازداشت موقت محسوب می‌شود که در اسناد بین المللی مختلف مورد تاکید قرار گرفته اند (قربانی - بیگی، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۶).

در حقوق کیفری ایران قانونگذار بدون توجه به اسناد بین المللی حقوق بشر و بدون ملاحظه به اصل برائت که در اصل ۳۷ قانون اساسی تضمین شده است سیاست کیفری خود را در جهت تجویز و توسعه این اقدام تامینی تنظیم نموده است، زیرا قانونگذار بر خلاف توصیه مجامع بین المللی و قوانین اساسی بسیاری از کشورها در جهت حذف قرار بازداشت موقت بر نیامده است. موارد جایز صدور قرار بازداشت موقت مقرر در ماده ۳۲ قانون سابق، به ترتیب مندرج در در ماده ۲۳۷ قانون جدید تعریف و تغییر یافته است.^۶ لزوم فک یا تخفیق قرار تامین از سوی بازپرس نسبت به متهم جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ در صورت عدم صدور قرار نهایی تا دو ماه و نسبت به سایر جرائم تا یک ماه و یا صدور قرار ابقاء قرار تامین قبلی (ماده ۲۴۲)، تشدید یا تخفیف قرار تامین (ماده ۲۴۳) و درخواست تعديل قرار تامین از سوی دادستان (ماده ۲۴۴)، امکان طرح درخواست تشدید یا تخفیف قرار از سوی دادستان یا متهم صرفاً برای یک بار (تبصره ۱ ماده ۲۴۴)، صلاحیت دادگاه در تشدید یا تخفیق قرار صادره نسبت به متهم (تبصره ۲ ماده ۲۴۴)، از دیگر ترتیبات قانونی مقرر در قانون جدید در این باره می‌باشد. در همین ارتباط، دبیر کل وقت سازمان ملل در گزارش دوره ای تقدیمی خویش به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ضمن نقد از ماده ۳۲ به مانند ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک.سابق در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸)، مواد مزبور را مغایر با موازین حقوقی بین المللی و بشری دانسته و نسبت به آن ابراز نگرانی نموده است (عسکری، ۱۳۹۴: ۴۸-۴۶).

۴-۱-۳. حق آگاهی از علت بازداشت

^۶. براین اساس، "صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرائم زیر که دلائل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند: الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا قطع عضو و در جنایت عمدى علیه تمامیت جسمانی و جنایاتی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنبی علیه یا بیش از آن است، ب- جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است، پ- جرائم علیم امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است، ت- ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود، ث- سرقت، کلاهبرداری، ارتشهای، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجموع، در صورتی که مشمول بند ب این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور باشد".

یکی از مقدمات لازم برای تضمین رعایت معیارهای قانونی در دستگیری و بازداشت شخص، آگاهی یافتن او از دلایل دستگیری یا بازداشت است. بدیهی است بدون چنین اطلاعی زمینه استفاده موثر از ضمانت اجراءای حق مصونیت از دستگیری یا بازداشت خودسرانه فرآهم نخواهد شد، به عبارت دیگر حق آگاهی یافتن از دلایل خود یکی از حقوق شناخته شده و بخشی از تضمین های قاعده رعایت آیین قانونی و مکمل حق آزادی شخص است. اطلاع مظنون از دلایل دستگیری و توقیفش دو فایده دارد: یکی اینکه به ایجاد موازنی و تساوی سلاحها بین مقام تعقیب و شخص تحت تعقیب کمک می کند زیرا مظنون نیاز به آگاهی فوری از جرایمی دارد که گفته می شود قابل انتساب به اوست تا بتواند به بازداشت خود اعتراض کند، دوم آنکه به مظنون امکان می دهد تا اطلاعات لازم را جهت آمادگی دفاع، در صورت متهم شدن به دست آورد. البته باید توجه داشت که حق اطلاع از دلایل دستگیری و بازداشت مقدماتی با حق دریافت اطلاعات تفصیلی و کافی برای آمادگی دفاع تفاوت دارد. زیرا ممکن است برای تامین حق اطلاع از ادله دستگیری بیانی کلی کافی باشد ولی به یقین برای اطلاع از جزئیات مربوط به اتهامات کفايت نمی کند (فضائلی، ۱۳۸۷: ۳۹۰-۳۹۱). مطابق ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک ایران، بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند. به موجب تبصره ماده مزبور تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. همچنین در جرائمی که به تشخیص مرجع قضائی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضا کند، علت احضار ذکر نمی شود، اما متهم می تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضائی مراجعه کند. همچنین شق الف بندیک ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی مقرر نموده که: «به زبانی که متهم کاملاً درک کرده و با آن صحبت می کند فوراً و دقیقاً از ماهیت، سبب ومحتوای اتهام مطلع شود».

۳-۵. حق داشتن وکیل و مشاوره حقوقی

داشتن وکیل در کلیه مراحل دعاوی جزایی از حقوق افراد برای اجرای عدالت به شمار می آید. همه افراد از قوانین و مقررات کشور اطلاعات و آگاهی کافی ندارند و بسیاری از متهمین نمی توانند از حقوق خویش دفاع مناسب به عمل آورند. دادستان و قاضی تحقیق که مسئول تحقیق و تعقیب و تحقیق به نمایندگی از طرف عموم جامعه می باشند افرادی آگاه به قانون و حقوقدان محسوب می شوند، بنابراین عدالت اقتضا می کند که متهمین نیز به کمک حقوق دانان و افراد مطلع بتوانند از اتهامات واردہ دفاع نمایند. اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «در همه دادگاه ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنان امکان تعیین وکیل فراهم گردد». اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق استفاده از وکیل تعیینی و در صورت لزوم، وکیل تسخیری را در سطحی گسترده و حداقل در دادگاه های کیفری تضمین نموده است. در زمان رسیدگی در دادگاه طبق ماده ۳۴۷ ق.آ.د.ک، متهم می تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیل برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمكن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضائی و در صورت عدم امکان از نزدیک ترین حوزه قضائی، برای متهم، وکیل تعیین می کند. همچنین بند ۳ ماهه واحد قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و دستور العمل اجرایی بند ۱۵ مقرر می دارد: «محاكم و دادسراهها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند».

کمیته حقوق بشر در پرونده ای که دادگاه نظامی متهم را محدود به انتخاب وکیل تسخیری کرده نظر داد که حق دفاع توسط وکیل انتخابی نقض شده است. هم چنین در مورد مشابه کمیته نظر داد که دادن فهرستی از وکلا جهت انتخاب به متهم و اجراء او به انتخاب وکیل نظامی تسخیری با توجه به آنکه وکلای غیر نظامی نیز می خواستند وکالت وی را به عهده بگیرند ناقض حق متهم است. ماده ۵ از اصول بنیادی درباره نقش وکلا و بند ۱ از ماده ۷ مجموعه اصول بر این نکته تصريح کرده است قبل از انجام هر نوع اقدامی و به ویژه بازجویی باید متهم را از حق بهره مندی از معارضت یک وکیل به انتخاب خویش آگاه کرد و تنها در صورتی می توان بدون حضور وکیل اقدامات معمول را ادامه داد که فرد به صراحة از معرفی وکیل چشم پوشی کند و در غیر اینصورت عدالت قضایی آنچنان که باید محقق نخواهد شد. پاراگراف ب و ج بند ۳ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی وسیاسی که حق انتخاب وکیل در دفاع متهم از خود را مطرح کرده صراحتاً قید "به انتخاب خودش" را اعلام داشته است، همین حق در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و استناد منقطعه ای آمریکا و آفریقا به صراحة موردن تأکید قرار گرفته است. فرد در محاکمه می تواند شخصا یا بوسیله وکیل منتخب خود حاضر شود و از خود دفاع کندو در مواردی که

مصالح دادگستری ایجاب می کند از طرف دادگاه راسا برای وی وکیل تعیین می شود که در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله هزینه ای نخواهد داشت.(Ashworth, 2016: 423-425)

بند ج ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان می دارد، متهم می تواند یا شخصاً از خود دفاع کند یا با انتخاب خودش از معاوضت وکیل برخوردار شود و اگر توان کافی برای پرداخت هزینه وکیل نداشته باشد، چنانچه مصالح عدالت اقتضا کند، برای او وکیل تسخیری در نظر گرفته شود (Maran, 2011: 266). همان گونه که ملاحظه می شود، در بند مزبور، امکان دفاع، هم توسط خود خوانده و هم توسط وکیل دفاع خوانده، پیش‌بینی شده است. پُر واضح است که حق داشتن وکیل، یکی از تضمینات حقوق حق برخورداری از دفاعی است که در اسناد حقوق بشری بارها بر آن تأکید شده است. در واقع وکیل از مهمترین شروط فرآیند دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین المللی است.^۷

سیاستگذاران ایران این حق را در مقررات فراتقنيّي، تقنيّي قوانين ايران از جمله قانون اساسی و قانون آيین دادرسی کيفري، حق داشتن وکیل را به رسميّت شناخته و سیستم قانون گذاري ايران در اين زمينه رو به پيشرفت به سمت موازين بين المللی حقوق بشر در زمينه دادرسی عادلانه است. مطابق ماده ۴۸ قانون آيین دادرسی کيفري ۱۳۹۲، متهم می تواند با شروع تحت نظر قرارگرفتن تقاضای حضور وکیل کند. با توجه به مقررات ماده ۳۴ قانون آيین دادرسی کيفري ۱۳۷۸ آغاز مرحله تحت نظر، دستگيری شخص در جرايم مشهود است. در ماده ۴۶ قانون آيین دادرسی کيفري ۱۳۹۲ شروع تحت نظر پس از تفهميم كتبی موضوع اتهام و ادلہ آن به متهم که بلافاصله پس از تصميم به نگهداري او صورت می گيرد، خواهد بود (ساقيان، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

در حقوق ایران با آنکه ماده ۴۸ حق استفاده از وکیل دفاع را با شروع تحت نظر پذيرفته است، متأسفانه اشاره اى به تعیین وکیل دفاع را يگان برای متهمانی که قادر به تعیین وکیل برای خود در اين مرحله نیستند، نکرده است. با اين همه، با توجه به اينکه مواد ۵ و ۶ قانون آيین دادرسی کيفري ۱۳۹۲، حق دسترسی به وکیل و فراهم کردن ساز و کارهای رعایت و تضمین این حق را پيش بینی کرده است، می توان نتيجه گرفت که امکان تعیین وکیل توسط متهم وجود ندارد، از طریق مطلع کردن کانون وکلای محل، وکیلی را برای او تعیین کنند. قانون آيین دادرسی کيفري ۱۳۹۲ با استفاده از دستاوردهای حقوق تطبیقی در یک تحول گسترده برای نخستین بار امکان حضور وکیل مظنون- متهم در هنگام تحت نظر قرار گرفتن وی نزد ضابطان را پذيرفته است. ماده ۴۸ این قانون امکان ملاقات وکیل را برای شخص تحت نظر به مدت یک ساعت و در آغاز تحت نظر قرار گرفتن پيش بینی کرده است. این مقررات برای اولین بار حق ملاقات وکیل با شخص تحت نظر را پيش بینی کرده است (آشوری، ۱۳۹۲: ۷۷-۷۸).

قانون آيین دادرسی کيفري ۱۳۹۲ بی تردید، گام های مهمی را در راستای رعایت حقوق و آزادی های فردی و کرامت انسانی، به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است . این تحولات چيزی جز رعایت موازين حقوق بشری مندرج در اسناد بين المللی حقوق بشر، بویژه ميثاق بين المللی حقوق مدنی و سياسي ۱۹۶۶ م و اصول قانون اساسی جمهوري اسلامي، نیست که به موجب آن کنشگران فرایند کيفري به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تأمین حقوق دفاعی متهمان مکلف می شوند. در واقع دل نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری در مراحل مختلف فرآيند رسيدگی کيفري به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این مقررات توسط قانون گذار شده است. این نواوري ها به نوبه خود از يك سو، باعث تقویت امنیت حقوقی افراد در نظام قضایي ايران و از سوی ديگر، برقراری تعادل حق افراد بر امنیت اجتماعی در برابر بزه کاري می شود.

۱-۶. منع شکنجه

⁷ Article 8 (Right to fair trial) ‘Adequate time and means for the preparation of his defense. (American Convention on Human Rights –Signed at the Inter-American Specialized Conference on Human Rights/San Josi-Costa Rica.22 November 1969).

شکنجه یکی از معمولی ترین، متداول ترین و موثرترین روش هایی است که بیشتر کشورها در حال حاضر هم برای گرفتن اقرار بخصوص از افراد زندانی سیاسی بکار گرفته می شود. در میان معاهدات و اسناد بین المللی ماده ۳ مشترک کنوانسیون های چهار گانه ژنو، ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه^۸ و دیگر اسناد بین المللی مورد تاکید قرار گرفته اند.^۹ قانون اساسی ایران این روش ضد انسانی را برای گرفتن اقرار ممنوع کرده و چنین شهادت و اقرار و سوگند را از نظر حقوقی فاقد ارزش و اعتبار دانسته و حتی متخلف از این اصل را مستحق مجازات دانسته اند. در قانون اساسی اصل ۲۸ در این مورد آمده است: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجراء اشخاص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود».

مجلس شورای اسلامی نیز طی تصویب قانون منع شکنجه موارد ۱۸ گانه ای را از مصاديق شکنجه محسوب نمود. در میان شیوه اختلاف نظری در خصوص منع شکنجه وجود ندارد و به طور کلی اقرار ناشی از شکنجه را در بحث راجع به اداله اثبات دعوی باطل دانسته اند، اما عده ای از اهل تسنن استفاده از شکنجه را در مواردی مجاز دانسته اند (دینی، ۱۳۸۶: ۹۲).

همچنین قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و دستور العمل اجرایی بند ۱۵ آن که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است در ماده ۹ مقرر می دارد: «هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجراء او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرار های اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت». فصل دهم از کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی که به تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی اختصاص دارد، در ماده ۵۷۰ بیان می دارد اگر هریک از مأمورین یا مقامات دستگاه های حکومتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد را سلب کنند یا آنان را از حقوق مشخص شده در قانون اساسی محروم کند علاوه بر انفال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

همچنین ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، مستقیماً جرم شکنجه را مورد توجه قرار داده است. این ماده که تعریف جرم شکنجه را از دیدگاه نظام کیفری ایران عنوان می نماید، ضمانت اجرای بخش از اصل ۳۸ قانون اساسی و صرفاً اخذ اقرار یا اذیت و آزار بدنی را جرم دانسته است که رکن قانونی را تشکیل می دهد (توکلی - رهبر پور، ۱۳۹۶: ۹۷-۹۸).

مطابق قواعد و اصول حاکم بر حقوق بین الملل منع شکنجه به عنوان یک قاعده عام در سطح جهانی با خصلت حقوق بشری به رسیمت شناخته شده است. بنابراین تجاوز از این قاعده هیچ توجیهی برای هیچ دولتی نخواهد داشت. علاوه بر این دولت ایران به برخی از اسناد بین المللی که متضمن منع شکنجه می باشد ملحق شده اند و این اسناد نسبت به دولت ایران دارای اثر حقوقی می باشد. در واقع سیر تحول و تکاملی حقوق بین الملل در جهت پاسداری از حقوق بشر موصوف کردن قاعده منع شکنجه به عنوان یکی از قواعد آمره و منشاء تعهدات نادرست نمی نماید. چرا که این توصیفات برای نمایاندن منزلت خاصی برای برخی از قواعد مربوط به حقوق بین الملل می باشد. به نظر می رسد مهمترین ضابطه تشخیص این اوصاف در یک قاعده حقوق بشری بنیادین بودن، نقض ناپذیری و غیر قابل تعلیق بودن آن می باشد که منع شکنجه از این خصوصیت برخوردار می باشد. هم کنوانسیون منع شکنجه و هم مقررات ناظر بر شکنجه در حقوق ایران، شکنجه را عملی غیر انسانی و مغایر با کرامت و حیثیت انسان می دانند و ارتکاب آن را منع می کنند؛ در عین حال تفاوت های زیادی، هم در تعریف و هم در مصاديق شکنجه بین حقوق ایران و کنوانسیون منع شکنجه وجود دارد. هرچند در قانون اساسی ایران مطلق شکنجه اعم از جسمی و روانی منع شده، اما در قانون مجازات اسلامی صرفاً برای شکنجه بدنی مجازات تعیین شده است. علاوه بر این، در تعیین مصاديق شکنجه و مرز آن با مجازات های قابل اعمال نیز تفاوت هایی بین نظام حقوقی ایران و کنوانسیون منع شکنجه وجود دارد. اما وجود این تفاوت ها به معنای فقدان وجود اشتراک بین مفاد کنوانسیون و قوانین ایران نیست. مقایسه الزامات کنوانسیون و قواعد نظام حقوقی داخلی این امکان را

⁸. Convention Against Torture and Cruel, Inhuman and Degrading Treatment and Punishment, 1984

⁹. Yuval,shany, The Prohibition Against Torture and Cruel, Inhuman and Degrading Treatment and Punishment: Can the Absolute be Relativized under Existing International Law, Hebrew University of Jerusalem - Faculty of Law and Institute of Criminology, November 25, 2005

فراهم می سازد که ضمن شناسایی موانع حقوقی الحق ایران به کنوانسیون مذکور، راهکارهای رفع این موانع نیز شناسایی شود (پوربافرانی - رحیمی، ۱۳۹۵: ۳۷).

ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام داشته است: "هیچ کس را نمی توان مورد شکنجه و آزار یا رفتارهای خشن ، غیر انسانی یا مohn قرارداد» مبنی و اساس این حق ، همانگونه که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، حیثیت و مقامی است ذاتی بشر که همه افراد خانواده بشری باید آن را درباره یکدیگر بشناسند". ماده ۳ مشترک قرارداد «رفتار خشن ، شکنجه و آزاد» کسانی را که مستقیماً در مخاصمات شرکت ندارند، و نیز « لطمہ به حیثیت اشخاص به ویژه تحقیر و تخفیف » آنان را منمنع اعلام کرده است. در ماده ۹۹ قرارداد سوم ژنو نیز صریحاً آمده است : «هیچ فشار روحی یا بدنی نباید به منظور اعتراف به عمل مورد اتهام به اسیر جنگی وارد آید». علاوه بر قراردادهای بین المللی ، قراردادهای منطقه ای نیز به کار گرفتن شکنجه و اعمال هر نوع آزار و خشونت را منمنع شناخته اند ماده ۳ قرارداد اروپایی حقوق بشر ، ماده ۲ قرارداد آمریکایی حقوق بشر و ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها جملگی بر نهی شکنجه و امر به رعایت حرمت انسان در واقع بازداشت صراحت دارند. همچنین ، عرف بین المللی به کار گرفتن شکنجه را محکوم می کند. اساساً منع مطلق شکنجه مبنی بر قاعدة عرفی بین المللی است و لذا تبعیت از آن برای همه دولتها الزامی است، حتی دولتها که طرف هیچ یک از معاهدات یا قراردادهای حقوق بشر نگرفته و یا به هنگام تنظیم اسناد بین المللی مبنی را می توان از بیانیه های چند جانبه درباره سیاست مشترکی که به توافق دولتها رسیده است استنباط کرد. همچنین قوانین و مقررات داخلی و نیز احکام و تصمیمهای قضایی داخلی یا بین المللی که مبنی بر یک قاعده شناخته شده و بین المللی است از جمله موجود عرف بین المللی به شمار می آیند (Verges, 2010: 106).

از دیگر اسنادی که دال بر تعهد دولتها به رعایت حقوق انسانی است اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰ قاهره است.

در ماده بیستم این اعلامیه چنین آمده است: «دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع! و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به گونه ای حقارت آمیز یا سخت یا منافی حیثیت رفتار کرد همچنین اجبارهیج فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایزنیست مگر بارضایت وی و مشروط براینکه سلامتی وزندگی او به مخاطره نیفتد، همچنین تدوین قوانین استثنائی که به قوه اجرائیه چنین اجازه ای را بدهد نیز جایزنی باشد ». دلیل دیگری که موید منع شکنجه به عنوان یک قاعده حقوق بین الملل عمومی است شمار قوانین و مقررات داخلی کشورهایی است که صریحاً آن را پذیرفته اند. بررسی های موجود از قوانین داخلی کشورها نشان می دهد که در، صد و دوازده کشور مقررات قانونی صریحاً یا ضمناً بکارگیری شکنجه را منع می کنند (Meron, 2016: 447).

۳-۲. حقوق متهم در مرحله دادرسی

۳-۲-۱. حق دفاع

حق دفاع متهم از ارکان یک محاکمه عادلانه به شمار می رود. عایت حق دفاع متهم مستلزم آن است که هیچ فردی بدون دلایلی کافی احضار و جلب نشود، و در صورت احضار و جلب بتواند آزادانه و آگاهانه و در فرصت مناسب در دادگاه علنی، بی طرف و در معیت و کیل مدافع از اتهامات روا یا ناروا از خودش دفاع کند. این موضع بدان اهمیت است که اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه منطقه ای، قانون اساسی و قوانین عادی کشور بر آن تاکید فراوان دارند و رعایت آن در هر کشوری نشانگر رعایت اصول اخلاقی و سطح فرهنگ بالای آن سامان خواهد بود. این حق منبعث از حق آزادی بشر و اصل طلایی برائت است که بشر در طول سالیان متتمادی با زحمات فراوان به آن نائل شده و خونهای بسیاری به پای آن ریخته شده است (Peters, 2016: 259).

اصل برائت در اعلامیه حقوق بشر در بند ۱ ماده ۱۱ به شرح ذیل آمده است: «هر کس به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد، تا وقتیکه در جریان یک دعوى عمومى که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تامین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز

گردد». به موجب بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصربودن او بر طبق قانون ثابت شود». در بند ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده است: «متهم بی‌گناه است تا آن گاه که محکومیت او از راه محاکمه عادلانه که همه تضمینهای دفاع برای او فراهم شده باشد، احراز گردد». در اصل ۲۷ کنفرانس اروپای حقوق بشر تصریح شده است: «که قبل از صدور حکم قطعی از دادگاه، متهم نباید مقصرب تلقی گردد». در حقوق داخلی، اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده ۳۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی بر آن تصریح دارد. اصل ۳۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

بنابراین رعایت از حق دفاع متهم علاوه بر این که جلو اشتباها قضایی را می‌گیرد، و پایه‌گذار یکی محاکمه عادلانه، منصفانه و بی‌غرضانه خواهد بود. معمولاً در مقام تبیین مصاديق حق دفاع، به شش عنوان اشاره می‌شود: دفاع حضوری، دفاع خود خوانده، دفاع وکیل خوانده، مطلع کردن مقامات از حق دسترسی به وکیل، معاضدت قضایی و حمایت دیپلماتیک اشخاص. ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ذیل بند ۳ ماده مزبور برخی از این حقوق را بصراحت بیان کرده است^۱. حق دفاع در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای تصریح گردیده است و از سوی نهادها ناظر بین‌المللی تفسیر و تکمیل شده است. برخورداری از وقت و تسهیلات مناسب به منظور آمادگی برای دفاع و ارتباط با وکیل منتخب براساس مفاد قسمت دوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق و قسمت دوم بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی ((هر کس در مظلان اتهام به ارتکاب جرمی واقع شود ، حق دارد از وقت و تسهیلات مناسب به منظور آماده شدن برای دفاع و ارتباط با وکیلی که خود انتخاب کرده برخوردار باشد)) مدت زمان لازم و تسهیلات مناسب برای دفاع بستگی به مسائل گوناگونی دارد ؛ مسائلی همچون نوع و ماهیت اتهام ، پیچیدگی اتهام و دلایل توجه آن ، شمار اتهامات وارد و این که آیا متهم خود شخصاً به دفاع می‌پردازد یا از طریق اعطای وکالت مباردت به دفاع می‌نماید. از نظر کمیسیون آمریکایی حقوق بشر فرصت‌هایی نظیر ۲۴ یا ۴۸ ساعت به هیچ وجه مدت زمان مناسب تلقی نمی‌شوند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در یک توضیح کلی اظهار داشته که تسهیلات مورد نظر عبارت اند از امکان دسترسی به کلیه اسناد و دلایل موثر در دفاع و فرصت عقد قرارداد وکالت و مذاکرات لازم با وکیل منتخب (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۳۹-۳۸). در واقع عامل اصلی برای رسیدگی عادلانه و منصفانه در فرآیند دادرسی عادلانه و منصفانه این است که متهم حق دفاع از خود را داشته باشد. چنانچه این حق از متهم سلب گردد و به صورت یک طرف دولت همه ابزارها را دست داشته باشد رسیدگی به هیچ وجه عادلانه و منصفانه نخواهد بود.

۲-۲-۳. حق بازجویی و پرسش از شهود

یکی از آثار اصل برائت یا فرض بی‌گناهی متهم آن است که به دلیل آنکه هنوز اتهام شخص اثبات نشده است باید ابزار مناسب برای دفاع از حقوق خود را در اختیار داشته باشد. این مسئله به خصوص در نظام‌های حقوقی مانند ایران که ارزش شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی بسیار بالاست و بسیاری از دعوی و جرایم بدین واسطه قابل اثبات می‌باشند با اهمیت تلقی می‌شود. در صورتی که در یک دعوای کیفری شهودی علیه متهم وجود داشته باشد و به صرف وجود آنان دعوی اثبات شود، بدون آنکه این حق به متهم داده شود که از خود دفاع کند ساده ترین مبانی دادرسی عادلانه نقض شده است. حق برابری طرفین در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در کنار پیش‌بینی فرصت و امکانات کافی برای دفاع و حقوق مربوط به اقامه شهود و استماع و مواجهه آنان آورده شده است. به تعبیری که در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده، یعنی برابری طرفین در فرآیند دادرسی نشان می‌دهد که چنانچه وضعیت طرفین و رفتار با آنها در طی محاکمه به نابرابری میان آنان بیانجامد اصل برابری نقض شده است. این حق علاوه بر آنکه میان دادستان و متهم باید وجود داشته باشد میان طرفین دعوی با دستیابی آنها به سلاح برابر برای دفاع از خود لازم از فراهم گردد (Cassese, 2008: 59).

در قانون کیفری ایران بعنوان مبحث دوم فصل ششم آئین دادرسی و در زمرة وظایف بازپرس، علاوه بر دادگاه که در بخش مربوطه تعریف شده است و اضافه بر ترتیبات قانونی مقرر در این باره در ماده ۲۰۴ قانون جدید، به تجویز تبصره ۲ ذیل آن، " در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید". همچنین، به موجب ماده ۲۱۳ قانون مزبور، " تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده ، از قبیل شاهد یا مطلع

¹⁰ . See the Case of Oleksandr v. Ukraine-Application No 21722/77-January.9.2013.

ممنوع است و چنانچه، این شخص پس از تحقیق در مظلان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر حضار شود". بعلاوه، تکلیف بازپرس به اتخاذ تدبیر حمایتی لازم از شهود و مطلعین و خانواده‌های آنها به طرق مقتضی، به ترتیب مقرر در ماده ۲۱۴ این قانون، از دیگر موارد قابل ذکر در این باره است (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۸۶).

۳-۲-۳. تساوی دسترسی و دادرسی در دادگاه

بنابر آنچه در صدر بند ۱ ماده ۱۴ میثاق آمده ((افراد در برابر دادگاه مساویند)). مساوات افراد در برابر دادگاه که ضرورت آن در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم تصریح شده، دارای سه وجه است.

وجه نخست آن به این معنی است که آنچه در عالم ظاهر موجب امتیاز افراد از یکدیگر می‌شود نظیر رنگ، زبان، نژاد، ملت، مذهب، جنسیت، افکار و عقاید سیاسی و اجتماعی و گرایش‌ها و وابستگی‌های حزبی و تشکیلاتی، در عالم قضاؤت و عدالت به هیچ وجه موجب تبعیض و تمایز نخواهد بود. متهم به عنوان فردی از افراد بشر به گمان نقض مقررات حافظ نظم عمومی و حقوق فردی در برابر دادگاه ظاهر شده و مجرد از اوصاف و عوارض بشری و اعتبارات و موقعیت‌های اجتماعی مورد محکمه واقع می‌شود.

وجه دیگر تضمین مورد بحث توازنی است که دادگاه ناگزیر باید در میان اصحاب دعوی برقرار نماید. در یک نظام دادرسی مترقی و انسانی نقش دادگاه، داوری در میان اصحاب دعوی است. بدیهی است که داوری بدون مراعات حقوق طرفین و اعطای بالسویه امکانات و امتیازات، منصفانه نخواهد بود. تساوی در برابر دادگاه از این نظرپیوستگی تمامی با تدبیر و تضمین‌های دیگری چون محکمه منصفانه و ضرورت بیطریقی دادگاه دارد. تساوی در برابر دادگاه یک تضمین عام است و همه اصحاب واطراف دعوی از جمله شهود مدعی و متهم و ارزش شهادت آنان را نیز در بر می‌گیرد.

وجه سوم این تضمین که تا حدودی مفهوم آن را گسترش هم می‌دهد، آن است که تشکیلات دادگاهها، آئین رسیدگی به اتهامات وارد بر افراد و تسهیلات و امتیازات اعطایی به آنان جز در موارد رسیدگی به جرایم خاص نظیر جرایم نظامی باید نسبت به همه افشار و اصناف شهروندان یکسان باشد. بنابراین تشکیل دادگاههای اختصاصی برای رسیدگی به اتهامات وارد به طبقه خاصی از شهروندان عادی با وجود عمومی بودن جرایم ارتكابی آنان با این وجه از وجود تساوی افراد در برابر دادگاه ناسازگار است. این که در این گونه دادگاههای تسهیلات خاص برای متهمان قائل می‌شوند یا تضییق و تشدیدی نسبت به آنان روا میدارند، موثر در مقام نیست (Ruthven, 2017: 383-379).

از صراحت اصل ۳۴ قانون اساسی ایران که مقرر داشته است هر کسی می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید و همه افراد ملت حق دارند که اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند، مشخص می‌شود که مقامات ایران موظف هستند که دادگاه‌های صالح را به منظور تأمین حق دادخواهی و دفاع اشخاص تدارک دیده و در دسترس آنها قرار دهد. منظور از دادگاه صالح وفق اصل ۱۵۹ قانون اساسی دادگاهی است که به حکم قانون تشکیل شود.

۴-۲-۳. دادرسی علنی

منظور از علنی بودن دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند و به اجرای دقیق قوانین، بی‌نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند. از آنجا که دستگاه قضایی همانند دیگر نهادهای ارگانی دولتی امانتدار مردم است با علنی بودن دادرسی عملکرد آن تحت نظرارت مستقیم مردم و افکار عمومی قرار می‌گیرد و از گرایش به انحراف مصون می‌ماند و از طریق این نظارت امنیت قضایی افراد نیز به نحو شایسته‌ای تأمین می‌گردد. اصل ۱۶۵ قانون اساسی ایران به خصوصیت لازم الرعایه علنی بودن رسیدگی در دادگاه‌ها پرداخته و مقرر می‌دارد: "محکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوى خصوصی

طرفین دعوی تقاضا کند که محاکمه علني نباشد. در صدر اصل ۱۶۸ دگر باره خصوصیت علني بودن محاکمات در رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی مورد تاکید قرار گرفته است.

حق برخورداری از یک دادرسی عادلانه در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند یک ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتا ذکر گردیده است. بدین ترتیب که هر کس در تعیین حقوق و تعهدات خویش با مساوات کامل حق برخورداری از دادرسی منصفانه و علني را داراست همین مضمون در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی نیز آمده است. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی نیز در ماده شش خود به عنوان حق دادرسی عادلانه، اصول و قواعد حاکم بر یک دادرسی عادلانه که در حیث همگامی با اصل برائت بایستی مورد توجه قرار گیرد، مورد بیان قرارداده است. بر اساس این ماده، در تعیین حقوق و تعهدات مدنی یا هر اتهام کیفری علیه هر شخص، وی حق برگزاری جلسه استماع عادلانه و علني ظرف مدتی معقول در دادگاهی مستقل و بی طرف را دارد که به موجب قانون تأسیس شده باشد. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز در ماده هشتم خود، دادرسی عادلانه را به عنوان یکی از آثار مهم اصل برائت مورد شناسایی قرار داده است.(Ruthven, 2017: 392).

۳-۵. دادرسی بی طرفانه و مستقل

منظور از بی طرفی این نیست که مستخدم دارای عقیده ای نباشد بلکه منظور این است که وی عقیده شخصی را در کار و وظیفه اداری دخالت ندهد و یا وظیفه اداری را وسیله انتشار و ترویج عقاید خود قرار ندهد. مثلا در کشور فرانسه مستخدمین مکلف اند در محیط اداره از هر گونه تبلیغ در مورد عقاید خود خودداری کنند و رعایت این تکلیف در مورد برخی از کارمندان مانند دبیران و آموزگارن که آموزش کودکان را بر عهده دارند بیشتر است. علاوه بر آن استقلال قوه قضاییه نیز در دو بعد فردی و سازمانی دارای اهمیت است. از نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر حضور نماینده دادسرا و عدم دعوت از متهم یا وکیل او در مرحله تجدید نظر جایی که رسیدگی ماهوی صورت گرفته و حکم صادر شده است، نقض آشکار اصل برابری اصحاب دعوی و نادیده گرفتن منصفانه بودن محاکمه است. همین کمیسیون رد درخواست معارضت قضایی را در پاره ای موارد نقض مفهوم محاکمه منصفانه شمرده است. به نظر می رسد که در شرایطی می توان حکم به منصفانه بودن محاکمه نمود که اصول و قواعد کلی یک نظام دادرسی مترقی بر جریان رسیدگی حاکم باشد و متهم در شرایطی کاملاً آزاد و در حالی که از تمامی تضمین های لازم برای دفاع برخوردار بوده، مورد محاکمه واقع شود. پس هر جا که صلاحیت دادگاه یا استقلال یا بی طرفی آن مورد تردید است یا حقی از حقوق متهم نادیده گرفته شده به یقین باید محاکمه را غیر منصفانه به شمار آورد (فتحی - دادیار، ۱۳۹۱: ۴۹)، اصل های ۵۶ و ۱۶۶ قانون اساسی، مواد ۳۹ و ۲۱۳ آینین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب ۱۳۷۸ ایران نیز به اصل بی طرفی در دادرسی تصریح کرده اند.

۳-۶. حق برخورداری از دادرسی سریع

حق بهره مندی اصحاب دعوا از دادرسی سریع و غیرطولانی از مصاديق بارز دادرسی عادلانه است که همچون سایر اصول، در اسناد حقوق بشری به صراحت ذکر شده است. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، رسیدگی و قضاوت بدون تأخیر غیرموجه را از حداقل تضمینات حقوق متهمین در دادرسی می داند. بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون مذکور به صراحت به حق برخورداری اصحاب دعوا اعم از حقوقی و کیفری از دادرسی سریع اشاره کرده است (طاھری - سید حسینی، ۱۳۹۵: ۳۲). در قوانین کشور ما نیز این مهم از نظر دور نمانده است از جمله اینکه در اصل سی و چهارم قانون اساسی در دسترس بودن دادگاه ها را حق همه ملت می داند که یکی از مهمترین مزایای آن دسترسی سریع و آسان به دادگاه ها و اقامه دعوا برای گرفتن حق خود می باشد، علاوه بر آن قانونگذار در ماده سه قانون آینین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ قضاط را مکلف به رسیدگی به پرونده ها در کوتاه ترین مهلت ممکن کرده و از هر اقدامی که باعث طولانی شدن روند دادرسی می شود منع کرده است. همچنان در مواد دیگری از قانون فوق الذکر به مسئله کاهش اطاله دادرسی نگاه مدبرانه داشته که شناسایی دقیق عوامل کاهش اطاله دادرسی کیفری در قانون جدید آینین دادرسی

کیفری واستفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته از جمله توسعه خدمات الترونیک قضایی و ایجاد زیر ساختهای لازم و البته ملزم بودن به رعایت این اصول در حوزه عملی می‌تواند در کاهش اطالة دادرسی کیفری بسیار تاثیر گذار باشد^{۱۱} (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۶).

۷-۲-۳. حق سکوت

اصولاً متهم وظیفه ای ندارد تا جهت رفع اتهام از خود ارائه دلیل کند و این مراجع تعیین هستند که باید دلایل مثبت بزه کاری فرد مظنون را از طرق و مجاری قانونی به دست آورند. یکی از مسائل مهم در این زمینه حق سکوت متهم است. آنچه در رابطه با سکوت و ارتباط آن با اصل برائت مطرح می‌شود آن است که سکوت دلیل بر مجرمیت متهم و سوء نیت و مبادرت وی به اطالة جریان استنطاق و تحقیقات مقدماتی نخواهد بود. متهم باید بداند که می‌تواند به سوالات پاسخ نگوید و سکوت او نمی‌تواند عاقبت کیفری داشته باشد. این حق خصوصاً در شرایط فقدان وکیل که متهم ناآشنا با قوانین ممکن است اغفال شود وسیله دفاع از متهم است. تنها حضور وکیل است که می‌تواند سخن گفتن را برای متهم موجه سازد. در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران آمده است: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند...» و پس از آن، از نوعیت سکوت، مبنا و آثار آن، انکار یا اقرار جرم پس از سکوت، دیگر هیچ سخنی به میان نیاورده است، در وهله ای اول «اباهی سکوت» را به ذهن متبار می‌نماید و اگر هم قائل به حق سکوت متهم شویم، حقی است که به نظر می‌رسد، در ابتدای راه عقیم مانده و به نحو شایسته به آن پرداخته نشده است. تفہیم حق داشتن وکیل و نیز حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و از ابتدای رسیدگی به اتهامات، دلالت التزامی «حق سکوت» متهم تا حضور وکیل وی است (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۴-۱۱۳).

در اسناد بین المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری به این حق متهم که بتواند آزادنده از قدرت انتخاب خود برای پاسخگویی به سوالات یا امتناع از آن استفاده کند، عنایت شده است. بر اساس بند ۳ ماده ۱۴ میثاق: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد: ...- مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند.» در همین راستا کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) در بند ۲ ماده ۴۰ از دولتهای عضو خواسته است که در تضمین حق دفاع کودکان در مراجع قضایی به این موضوع، توجه کنند. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، سند دیگری است که در آن به حق سکوت متهم تصریح شده است. به موجب ماده ۵۵ و ۶۷ اساسنامه مزبور، متهم مجبور به ادائی شهادت یا اعتراض به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند، بدون این که این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی گناهی او داشته باشد. بدین ترتیب عدم امکان اجبار متهم به اعتراض یا شهادت و حق سکوت نزد مقامات انتظامی و قضایی در حقوق بین الملل به یک قاعده عرفی تبدیل شده است و همه دولتها مکلف به رعایت آن هستند (Peters, 2016: 117).

۸-۲-۳. حق برخورداری از وکیل و مترجم

حق برخورداری از وکیل، از مهمترین شروط فرایند دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین المللی بوده است. این حق لازمه و مقدمه اجرای مطمئن حق دیگری است که در اسناد حقوق بشری حق دفاع نامیده می‌شود. اغلب فرد محکوم، از حقوق قانونی خود مطلع نیست و نمی‌تواند ادعاهای خود را آن گونه که باید و شاید به سمع قضات برساند. حق داشتن وکیل یکی از تضمینات حقوق دفاعی متهم است که در اسناد بین المللی متعددی مورد تصریح قرار گرفته است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی به این حق متهم تأکید شده است. حق دفاع این امکان را برای فراهم می‌کند که بتواند پیش از محکوم شدن از خود دفاع لازم است متهم از حق انتخاب وکیل برخوردار باشد. حق ارتباط و انتخاب وکیل شامل حق آگاهی متهم از وجود چنین حقی و برخورداری از مساعدت وکیل تسخیری و معاضدت قضایی رایگان می‌باشد (قسمت ب و د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق بین الملل مدنی و سیاسی). به این ترتیب متهم می‌تواند برای ارائه دفاع شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود در محاکمه حاضر شود و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده می‌شود و در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله از وکیل

^{۱۱}. در ماده ۳، ۸۲، ۸۶، ۱۷۵، ۱۸۶، ۳۶۶ و ۴۴۲ برای کاهش اطالة دادرسی کیفری راهکارهایی همچون استفاده از سیستم الکترونیکی، انجام تحقیقات مقدماتی به سرعت و بطور مستمر و طرح دعوا بدون کیفرخواست پیش بینی شده است.

معاضدتی استفاده خواهد کرد. مطابق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ایران، متهم می تواند با شروع تحت نظر قرار گرفتن تقاضای حضور وکیل کند. با توجه به مقررات ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ آغاز مرحله تحت نظر، دستگیری شخص در جرایم مشهود است. در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شروع تحت نظر پس از تفہیم کتبی موضوع اتهام و ادلة آن به متهم که بلافاصله پس از تصمیم به نگهداری او صورت می گیرد، خواهد بود. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با الهام از قوانین برخی کشورها مانند فرانسه، بازپرس را مکلف به تفہیم حق داشتن وکیل به متهم کرده است. ماده ۱۹۰ این قانون با عبارت "... باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفہیم شود" بر لزوم تفہیم این حق به متهم تأکید کرده است. (توکلی - رهبرپور، ۱۳۹۶: ۹۹).

هرمتهم به جرم کیفری اگر زبان دادگاه را نفهمد یا صحبت نکند، حق دارد از مساعدت مترجم واجد صلاحیت و رایگان برخوردار باشد و همچنین حق دارد استناد و مدارک او ترجمه شود. اگر متهم در صحبت کردن، فهمیدن، خواندن زبان دادگاه مشکل داشته باشد، حق ترجمه و تفسیر برای تضمین دادرسی عادلانه مهم و حیاتی است. این امور برای تضمین حق برخورداری از امکانات کافی جهت تهیه دفاعیه، اصل تساوی ابزار و امکانات و حق دادرسی عادلانه لازم و ضروری است. بدون هیچ ممکن است تواند محکمه را بفهمد و به طور کامل در جریان دادرسی قرار گیرد، و دفاعیه موثری را فراهم کند لذا حق ترجمه و دانستن زبان دادگاه و فهمیدن یا صحبت کردن با آن پیش شرط اصلی حق دادرسی عادلانه و از حقوق دفاع متهم است به موجب شق و بندیک ماده ۷۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی اگر رسیدگی دیوان و یا مدارکی که در محکمه ارائه می شود به زبان دیگری غیراز زبانی است که متهم کاملاً درک کرده و صحبت می کند، وی می تواند از صورت رایگان از مساعدت مترجم کارآمد و همچنین ترجمه هایی که دریک محکمه منصفانه لازم است، بهره مند شود. حق برخورداری از مترجم در تمامی مراحل دادرسی کیفری اعمال می شود از جمله در طول بازجویی های پلیس و تحقیقات اولیه، مترجم صرف نظر از نتیجه محکمه باید به صورت رایگان فراهم شود شق الف بندیک ماده ۷۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی مقرر نموده که: «به زبانی که متهم کاملاً درک کرده و با آن صحبت می کند فوراً و دقیقاً از ماهیت و سبب محتوای اتهام مطلع شود» (Cassese, 2008: 415).

۹-۲-۳. حق محکمه در حضور هیات منصفه

« هر کس حق دارد با رعایت مساوات کامل در یک دادگاه مستقل و بیطرف ، که بموجب قانون صالح ایجاد شده باشد ، بطور منصفانه و به صورت علنی محکمه شود . » این حق در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر ، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ، بندهای ۱ و ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۷ و ماده ۲۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم درج شده است .

در قانون اساسی ایران نیز همانطور که قبلًا اشاره شد ، طبق اصل ۱۶۸ ، برای رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی هیات منصفه پیش بینی شده است و هیات منصفه یک نهاد مردمی است که به عنوان نماینده جامعه و وجودان عمومی تصمیم می گیرد که آیا مرز آزادی بیان رعایت شده است یا خیر و آیا جامعه از بیان آزاد اندیشه ها و افکار زیان دیده است یا نه . طبق ماده ۳۲ اصلاحی قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۷۹) در هر صورت علنی بودن و حضور هیات منصفه الزامی است . لیکن باید تأکید کرد که آزادی بیان تنها با وجود یک هیات منصفه واقعاً مردمی و غیروابسته به حاکمیت می تواند نه فقط در نظریه بلکه تا حد زیادی در عمل محقق و اعمال گردد.

۱۰-۲-۳. حق جبران خسارت برای عدم اجرای عدالت

به موجب بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، در صورتی که محکومیت خود در نتیجه اشتباه قضایی باشد و فرد به خاطر اشتباه قضایی محکوم و متحمل مجازات شده باشد مستحق است که خسارت او طبق قانون جبران گردد، مگر این که ثابت شود که عدم افشاء به موقع حقیقت مکتوم کلائی یا جزئی منتبه به خود او بوده است. به موجب قاعده لا ضرر کسی نباید اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر قرار دهد در صورت ورود ضرر باید در صدد جبران آن برآید. ضرر به معنای از دست دادن چیزی است که انسان آن را دارا است اعم از این که مال، جوارح، عرض یا آبرو باشد (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۶). طبق اصل ۱۷۱ که از جمله اصول بسیار متوفی قانون اساسی ایران در

تضمين حقوق دادخواهی و دفاع است، احراز سو نيت قاضی در ایجاد خسارت به طرفین دعوی و دفاع بمنظور اثبات تقصیری وی ضروری است و چنانچه این مطلب احراز شود، قاضی باید خسارات ذینفع را شخصاً بپردازد. و اگر سو نيت قاضی احراز نشود و در عین حال به لحاظ اقدامات توأم با حسن نيت اوشتباهی رخ داده و احد از طرفین دعوی و یا هر دوی آنها و یا شخص دیگر متضرر شود خسارات وارد باید از طریق بیت المال جبران گردد. اما در اجرای مواد و اصول مترقبی مذکور قانونگذار باید نحوه دادرسی و شیوه درخواست جبران خسارت و مرجع مورد درخواست و بالاخره مورد نیاز را در این خصوص پیش بینی کند.

نتیجه گیری

برای تحقق دادرسی عادلانه نیازمند رعایت اصول شکلی و ماهوی بوده که هر کشور بنا بر نوع نظام حقوقی اش باید زمینه مناسب برای تحقق این اصول فراهم نماید. این اصول در شکل ماهوی اش شامل اصل برائت، اصل حاکمیت قانون، اصل قانونی بودن جرم و مجازت و... و در بعد شکلی علنی بودن دادرسی، منع محاکمه مجدد، دسترسی به محاکم صالح و... می باشد. در استناد بین المللی این اصول در دو بعد جهانی و منطقه ای معنکس شده اند. در واقع این حوزه ای است که محل تلاقي حقوق بشر و حقوق کیفری محسوب می شود. حقوق بشر رعایت قواعد و مقرراتی را برای مجموعه انسان ها فارغ از تفاوت های فردی و اجتماعی مقرر می کند. طرح این حقوق در بعد کیفری در استناد بین المللی باید همراه با التزام دولتها به رعایت آن باشد و گرنه صرف وجود متون قانونی چاره ساز نخواهد بود. در خصوص حقوق بشر می توان لزوم انعکاس حقوق کیفری را به ویژه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به نحو بارزی مشاهده کرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت یک سند عام و یا قانون ساز درآمده است که قواعد کلی ای را در زمینه های مختلف از جمله رعایت اصول دادرسی عادلانه برای کل بشر مطرح می کند. کشور ایران به بسیاری از این استناد پیوسته و مطابق اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و مانند ۹ قانون مدنی این استناد در حکم قانون داخلی محسوب می شوند. از طرف دیگر قانون داخلی ما مانند قانون اساسی یا قوانین عادی مثل آیین دادرسی کیفری، قانون حفظ حقوق و آزادی های شهروندان و... به طور واضح به این مهم اشاره کرده اند که تضمینات دادرسی عادلانه را به رسمیت بشناسند. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران بسیاری از اصول مهم و شناخته شده دادرسی های عادی در قوانین موضوعه پیش بینی شده است و از این حیث می توان گفت که کلیه اصول موجود در اعلامیه های جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی در قوانین مصوب داخلی وجود دارد و با خلا تقینی خاصی مواجه نیستم، مع الوصف در بعضی موارد ابهام و اجمال قوانین سبب می شود که دادرسی عادی مورد تردید قرار گیرد.

منابع فارسی

کتاب

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، تهران: نشر سمت، چاپ هفدهم
- ۲- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۸۶)، مجموعه استناد بین المللی حقوق بشر، قسمت اول، استناد جهانی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم
- ۳- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲)، جرایم علیه اشخاص، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل
- ۴- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۳)، حقوق جزای بین الملل، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل
- ۵- دیانی، عبد الرسول (۱۳۸۶)، ادله اثبات دعوی در امور مدنی و کیفری، تهران: نشر تدریس، چاپ دوم
- ۶- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۷)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، تهران: نشر شهر دانش، چاپ اول
- ۷- علم، محمود (۱۳۸۴)، دادگستری استاندارد در استناد بین المللی، تهران: نشر میزان، چاپ اول

- ۸- ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۹۲)، حقوق بین الملل عمومی، تهران: نشر گنج دانش، چاپ سی و یکم
- ۹- نوبهار، رحیم (۱۳۸۹)، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهن
- ۱۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، رویکرد جرم شناختی قانون، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۱- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۳)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران: نشر دادگستری، چاپ هشتم
- مقالات
- ۱۲- امیدی، طاهره، سید حسینی، سید سعید (۱۳۹۵)، "تحلیل حق دادرسی عادلانه در پرتو اسناد حقوق بشری با نگاهی به قوانین ایران"، تهران: مطالعات حقوق، شماره ۵
- ۱۳- پوربافرانی، حسن و رحیمی، رئوف (۱۳۹۳)، "مطالعه تطبیقی جرم شکنجه در حقوق ایران و کنوانسیون منع شکنجه"، تهران: مجله حقوقی دادگستری، سال هشتماد
- ۱۴- توکلی، حمید، رهبرپور، محمدرضا (۱۳۹۶)، "دادرسی عادلانه در آموزه‌های جزایی اسلام"، قم: نشریه معرفت، شماره ۲۳۳
- ۱۵- راعی دهقی، مسعود، موسوی، کاوه (۱۳۹۵)، "حقوق خواهان و خوانده از منظر حقوق بشر، با تأکید خاص بر رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر"، تهران: مجله حقوق بین الملل، شماره ۵۵
- ۱۶- ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳)، "تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲"، گیلان: پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم
- ۱۷- ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳)، "تحولات حق متهم بر داشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران"، تهران: مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱
- ۱۸- سalarی، حدیثه، تاج الدینی، معصومه (۱۳۹۵)، "تجدید نظر خواهی در دیوان عدالت اداری در پرتو اصول دادرسی عادلانه"، دور دوم، شماره ۱
- ۱۹- ضیایی فر، محمد حسین (۱۳۸۶)، "حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی با تاکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر"، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره هشتم
- ۲۰- فتحی، محمد جواد و هادی، دادیار (۱۳۹۱)، جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه، تهران: نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم
- ۲۱- قربانی، ابراهیم؛ بیگی، جمال؛ رسولی، ولی (۱۳۹۳)، جرایم علیه عدالت قضایی در پرتو اسناد بین المللی، کنفرانس بین المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری، تهران: موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا
- ۲۲- عسکری، فرزاد (۱۳۹۴)، حقوق متهم و کرامت انسانی، ماهنامه کارآگاه، دوره دوم، سال هشتم، شماره ۳۰
- ۲۳- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۲)، "حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری؛ جلوه ای از حقوق شهروندی"، تهران: مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸

- 23 - Ashworth, Andrew (2016), *The criminal process: an evaluative study*, Oxford University Press, 2nd ed.
- 24- Cassese, Antonio (2008), *International Criminal Law*, 2nd Edition,Oxford
- 25- Davis, Howard (2007), *Human rights Law directions*, Oxford university press,1st ed
- 26- Evans, Malcom (2016), *Preventing Torture*, New York, Oxford University Press
- 27- Fattah, Ezzat (2014), *Understanding Criminal Victimization*, Canada,Prentice-Hall
- 28- Maran, Rita (2011), *Torture: the Role of Ideology in the French Algerian War*, New York, Prager
- 29- Meron, Thodor (2016), *Human Rights Law Making in the UnitedNations*, Oxford, Clarendon Press
- 30- Peters, Edward (2016) , *Torture*, 2nd Edition, University of Pennsylvania
- 31- Ruthven, Malis (2016), *Torture: the Grand Conspiracy*, London, Weidenfeld and Nicolson
- 32- Verges, E.(2010), *La Transformation du Modele Francais de la Garde a vue* ,R.P.D.P. N4.

اسناد بین المللی

- 33-The American declaration of rights and duties of man
- 34-The American convention on human rights
- 35-The African charter on human and peoples rights
- 36-Universal Declaration of Human Rights,1948
- 37-International Covenant on Civil and Political Rights,(ICCPR),1966
- 38-Convention against torture and other cruel,inhuman or degrading treatment or punishment,(Convention torture),1984
- 39-International Covenant on Economic,Social and Cultural Rights (ISCECR),1966
- 40-Convention Against Torture and Cruel, Inhuman and Degrading Treatment and Punishment,1984